

قیمت: قبلاً حساب شده:

هشدار رئیس جمهور:

باران نیاید، باید تهران را خالی کنیم



کاتون جعفرزاده

و اینک
خشک سالی!

گیر کن / صفحه ۴

روزنوشت‌های
یک شازده کندذهن

میشه ایچور بره؟ / صفحه ۲

خفت کردن
ابرهای باران‌زا



سجید تاشیری



سرکن

دمت گرم آلوده! خیلی چرکی بامرام!

- سلام تصادفات جاده‌ای!
- سلام آلودگی هوا!
- تصادفات جاده‌ای! چه خبر از کشته‌ها؟! جنازه‌ها ردیفن؟! آمار مرگ و میر رو به بالاست به سلامتی؟! ● کشته‌ها خوبن! جنازه‌ها سلام می‌رسون! گوش شیطون کر، آمار مرگ و میر هم، ای بدک نیست! یک بخور نمیر افزایش داشته، ولی اوضاعمون به خوبی شما که نمی‌رسه آلودگی هوا!
- نه بابا! این طوری هم نیست تصادفات جاده‌ای! حال و احوال ما هم تعریفی نداره به جون میکرو بام!
- شکسته نفسی نکنین آلودگی هوا! ما هرچی دلمون خوشه که کیفیت خودروها می‌آد پایین و ایمنی جاده‌ها کاهش پیدا می‌کنه تا آمار ما بره بالا و میت بیشتری روی دست کشور بذاریم، شما یکهو یک مازوت می‌سوزونین، یک سرب بالا می‌آرین، یک دود می‌دین بیرون، بلانسیب یک باد آلوده خارج می‌کنین، اندازه صد تا تصادف اتوبوس مسافربری با تریلی هیجده چرخ، کشته تحویل آدما می‌دین!
- آخه تصادفات جاده‌ای! راستیش پشت سرتون گفتم، جلو روتون هم می‌گم، والا ما دیدیم شما فقط توی ایام تعطیلات عید و سه ماه تعطیلی تابستون دل به کار می‌دین و جون آدما رو می‌گیرین، ولی بقیه سال کم کاری می‌کنین و اونجور که باید، مردم رو راهی قبرستون نمی‌کنین. این بود که گفتیم ما کم لطفی شما رو جبران کنیم! واسه همین یه کم سرب و گوگرد و مازوت و دود و ریزگرد و خاک و کثیفی و میکرو بمون رو زیاد کردیم تا همه فصل سال، فراوونی مرگ و میر داشته باشیم!
- دمتون گرم آلودگی هوا! خیلی چرکین بامرام! والا ما هم بی‌تقصیریم! ماشینا گرون شده، مردم بی پول شدن، مسافرتا کم شده، واسه همین ما هم شرمنده شما و ملک الموت شدیم!
- حالا غمتون نباشه تصادفات جاده‌ای! خودمون مثل کوه آشفشان پشتتونیم! هرکی از گیر شما در بره، توی جنگ ما گرفتاره! آره قربونت!

مشه ایچو بره؟! خسرو آبادیان

خفت کردن ابرهای باران‌زا



آبان ۱۴۰۴: سرپرست سازمان توسعه و بهره برداری فناوری‌های نوین آب‌های جوی گفت: با رورسازی ابرها شروع شد، ولی هنوز ابری نیامده است که بارور شود! باید ابر مناسب برای بارورسازی وجود داشته باشد تا عملیات انجام شود. بودجه و اعتبار طرح بارورسازی ابرها ۵۰ میلیارد تومان بوده که امسال صرف خرید تجهیزات استاندارد، اجاره پهپاد و هواپیماها شده است.

آذر ۱۴۰۴: سرپرست سازمان در یک نشست خبری اعلام کرد: مشکل از ما نیست. متأسفانه ابرهای ورودی به کشور از نوع ابرهای باران‌زایی مانند کومولونیمبوس و نیمبوستراتوس نیستند، بلکه همگی از نوع کامالوس هستند که علاوه بر لوس بودن، لجباز و بارورناپذیر هستند!

دی ۱۴۰۴: دولت لایحه‌ای سه فوریتی برای واردات ابر منجمد برزیلی به مجلس ارائه خواهد کرد! در صورت تصویب، تیمی از متخصصان که قطعا و حتما خواهرزاده یا برادرزاده مسئولان محترم نیستند، به برزیل می‌روند تا در ازای فروش نفت، چهارپنج تکه ابر غیرلوس و باران‌زا وارد کنند.

بهمن ۱۴۰۴: یک نماینده مجلس گفت: چرا برزیل؟ چرا از هند یاد نگیریم؟! دیشب هرکار می‌کردم، خوابم نمی‌برد. بعدش جایتان خالی، یک فیلم دیدم. شاه‌رخ خان طناب انداخت به سمت آسمان و طناب دور دم هلی‌کوپتر بسته شد و توانست با طناب هلی‌کوپتر را بگیرد. تازه هلی‌کوپتر می‌خواست برود، اما شاه‌رخ خان نمی‌گذاشت. ما می‌توانیم سر مرز هر ابر باران‌زای خارجی آن طرف مرز دیدیم، با انداختن طناب، یکشیمش این طرف مرز و آن را بچلانیم تا ببارد! گفتنی است، یک نماینده دیگر مجلس اظهارات وی را زیر سؤال برد و گفت: این اظهارات کاملاً بی‌اساس است. چون آن یارو شاه‌رخ خان نبود، سلمان خان بود!

اسفند ۱۴۰۴: «ب.ز» که از همان اول حتی خواجه حافظ شیرازی می‌دانست منظورمان چه کسی است، گفت: اگر این ۵۰ میلیارد را به من می‌دادند، یک کاری می‌کردم که نه تنها دریاچه ارومیه احیا شود، بلکه همین کویر لوت هم به دریاچه لوت تبدیل شود. اصلاً یک جوری ابرها را بارور می‌کردم که ستاد بحران بلافاصله تشکیل جلسه دهد تا مانع از بین رفتن خانه‌های مسکونی در اثر بارش‌های سیل‌آسا شود.

صفحه ۲

۲۴ آبان ۱۴۰۴

شماره ۱۵۵

کن تو کن

منصوره احمدی

بیست و پنجمین نمایشگاه صنعت برق کشور با حضور وزیر نیرو



«وا؟! بهونه چیه مهندس! شما تا حالا توی وزارت ما ناترازی یا زیونم لال زیونم لال جیره‌بندی‌ای چیزی دیدی مگه؟»

اینکه گفتین هرکی زیاد آب مصرف کنه برقش رو قطع می‌کنیم. تهدیده قربان؟ یا برق نداریم دنبال بهونه‌ای؟

واکسیناسیون دام‌ها در پی شیوع سویه جدید تب برفکی

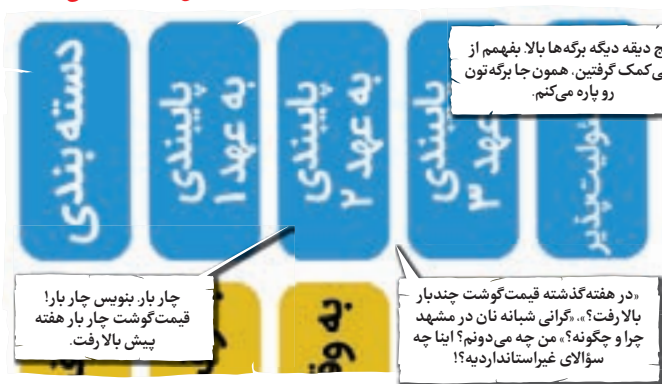


تومور مغزیه دکتر؟ چندماه زنده می‌مونم؟ بگو، من تحمل شنیدنش رو دارم. پسر بپر چندتا چوب بیار، می‌خوام وصیت کنم.

نگو «قربون» اینا به قربونی حساسن، الان قاطی می‌کنه برات‌ها.

نه قربونت، طوری نیست.

حضور وزیر کشاورزی و تعدادی از وزیران دیگر در مجلس شورای اسلامی



پنج دقیقه دیگه برکه‌ها بالا بفهمم از کسی کمک گرفتین. همون جا برکه تون رو باره می‌کنم.

چار یار بنویس چار بار! قیمت گوشت چار بار هفته پیش بالا رفت.

«در هفته گذشته قیمت گوشت چندبار بالا رفت؟»، «گرانی شبانه نان در مشهد چرا و چگونه؟»، «من چه می‌دونم؟ اینا چه سؤالای غیراستانداردی؟»

عضو کمیسیون صنایع: چرا نمایندگان مجلس سوار تیبیا نمی‌شوند؟



یارو می‌گه چرا نماینده‌های مجلس تیبیا سوار نمی‌شن؟! فکر کن تیبیا! خخخخخ

پر هام! جدی تیبیا رو یا ما توی یه جمله به کار برده؟!

سرگردان

عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی

عشق داند که در این دایره سرگردان اند
جلوه‌گاه رخ او دیده من تنها نیست
ماه و خورشید هم این آینه می‌گردانند



در بیت اول جناب حافظ با توجه به وضعیت آب و میزان بارش و وضعیت سداها و وضعیت برق و گاز کشور، می‌فرماید اوضاع طوریه که همه آچمز و سرگردان موندن که این چه وضعیه! در بیت دوم می‌فرماید حذف چهار صفر از پول فقط واسه مانیتست. خیلی از کشوری دیگه هم این کار رو کردن و می‌کنن و چیزی نیست، نگرانی نداره!

در حاشیه حضور بهنوش طباطبایی همراه با چند بادیگارد در جشن فارغ التحصیلی خودش



صفحه ۲
۲۴ آبان ۱۴۰۴
شماره ۱۵۵

پیشرفت هم پیشرفت‌های قدیم!

از خود بی‌خبرترین مردم دنیا:
رئیس محترم پژوهشگاه علوم غدد گفت که ۳۰ درصد مردم از دیابت خود خبر ندارند. سؤال اینجاست که این‌ها خودشان خبر ندارند شما از کجا خبر دارید! احتمالاً از این به بعد کسی پرسید «حالت خوبه؟» نباید بلافاصله قاطعانه بگوییم «خوبم». باید بگوییم «یه لحظه واستا از پژوهشگاه علوم غدد یه استعلام بگیرم!»

دقیق‌ترین شاخص پیشرفت هفته:
زنگنه، یکی از نمایندگان مجلس، گفته است: علت بی‌برقی و بی‌آبی، پیشرفت کشور است.
ما را بگو که تا الان فکر می‌کردیم از تعداد مقالات علمی تأیید شده و ساختن مشابه داخلی یک دستگاه پیشرفته می‌توان پیشرفت کشور را سنجید. البته مشکلی با این شاخص جدید نداریم. فقط امیدواریم این پیشرفت را خیلی یکپوویی و زیر دوش حمام یاتوی سرویس بهداشتی حس نکنیم و پیش از پیشرفت، ساعت دقیق آن را اعلام کنند تا توی آسانسور گیر نکنیم!

سریع‌السيرترین قرمز هفته: هفته پیش از لبنیات نوشتیم که در دو هفته دو بار گران شد. هنوز داشتیم گرانی لبنیات را هضم می‌کردیم (سازمان هدفمندی دقت کند، یارانه ما را حذف نکند، چون گرانی لبنیات را هضم می‌کردیم نه خود لبنیات را) که این هفته گوشت قرمز وارد گود شد و رکورد قبلی را که دو بار گرانی در دو هفته بود، شکست و طبق اعلام رئیس اتحادیه دام سبک، چهار بار در یک هفته گران شد.

پاک‌شده‌ترین مرغ‌های هفته: در پی باز نشر خبر غیر مستند قدیمی در فضای رسانه‌های مجازی مبنی بر استفاده از تریاک در خوراک مرغ‌ها، اتحادیه مرغداران آن را تکذیب کرد. کاش اعلام می‌شد بر چه اساسی خبر تکذیب شد. آیا مرغ‌ها شخصاً رفته‌اند آزمایشگاه؟ آیا به مرغ‌ها گفته‌اند بگویید سوسک و آن‌ها نگفته‌اند شوشک؟! بعد مشخص شد خبر کذب است. خلاصه کاش کمی مستدل‌تر این خبر را تکذیب می‌کردند تا ما به مرغ‌ها به چشم معتادان مفرنگی نگاه نکنیم!

سؤال یک رسانه از مسئولین: یک بشقاب میوه چند مرغ آید؟

ندانم نرخ یک بشقاب میوه
نه میوه دارم و نه آب میوه
نپرس از من تو نرخ میوه‌ها را
که می‌بینم فقط در خواب، میوه

نوقز رنگی جولانی از کلاهی که ترامپ به او هدیه‌دار

شادان نشو از هدیه او ای هالو
یک روز بگیرد از تو آن را یارو
امروز نهاده گر کلاهی سر تو
فردا بکند کلاهبرداری او

۳۰ مرد می‌مردم از دیابت خوبی خبر هستند

یک نفر می‌گفت من هم جزو آن سی درصدم
چون که معلوم است از حالات و احوال بدم
گفتم آخر از کجا فهمیده‌ای این راز را
گفت چون از کودکی یک ذره شیرین می‌زدم



روزنوشت‌های یک شازده کنزدهن

رضا پهلوی درباره شکست ایده براندازی در ادامه جنگ دوازده روزه گفته است: «هرچه زمان بیشتر می‌گذرد، آدم مغزش کندتر کار می‌کند. بالاخره سن است. من ۶۵ سالم شده است. در چنین وضعیتی انتظار داشتید من که خارج از ایران هستم، از طریق چه معجزه‌ای بتوانم این کار را انجام دهم؟» برویم خاطراتش را بخوانیم تا ببینیم واقعا کند شده است یا خیر.

شنبه

امروز مامان زنگ زد و گفت که پاشو، لنگ ظهره. از همون زمان بچگی این عادت رو داشت که مثلا بهش می‌گفتم ما رو ساعت ۷ بیدار کن، ساعت ۶ صبح داد می‌زد که پاشو ساعت یازدهه! به ساعت نگاه کردم، هنوز ۹ بود. حواسش نیست که من دیگه ۶۵ سالمه و برای خودم مردی شدم و قراره پادشاه بشم. این رفتار در شأن من نیست. به حالت قهر دوباره گرفتم خوابیدم.

یکشنبه

بانو گفته بود که بعد از مصاحبه، سر راه برگشت به خونه دوتا نون سنگک کنجیدی هم بخرم. البته این رو وقتی یادم اومد که رسیدم خونه و بانو دستای خالی م رو دید و با یک حرکت سامورایی، دمپایی ش رو همون طور که پاش بود، پرت کرد طرفم. وقتی توی مصاحبه گفتم ذهنم کند شده، همین بانو دعوام کرد که چرا این رو گفتم. بیا! برای این گفته بودم.

روشنه

از صبح بچه‌ها «ددی کند ذهن» صدام می‌زنان. بچه بزرگ کردم که عصای دستم بشن. برای روزای پیری و کوری کنارم باشن. بعد از خودم شاهزاده بشن، اما این طوری من رو مسخره می‌کنن. حیف از من برای این مردم. حتی بچه‌های تحفه خودم هم قدردم رو نمی‌دونن و بهم احترام نمی‌دارن. بعد با چه رویی مردم رو فرماندهی کنم؟



زمانی برای همین مردم کله معلق می‌زدم، رو دستام راه می‌رفتم. از روی آتیش می‌پریدم... به چه روزی افتادم. البته اینا رو که به طرفدارام نمی‌گم تا ناامید نشن. در جواب پیام همه شون می‌گم که منتظر باشن، پیروزی نزدیکه. الان ۴۶ ساله که دارم این حرف رومی‌زنم. امیدوارم باور کنن.

پنجشنبه

مامی زنگ زد که حالم رو بپرسه. بانو با مامان قهره و جواب تلفن خونه رو نمی‌ده. مامان به موبایلم زنگ می‌زنه. بانو چند ساله شاکیه که چرا مادرت نمی‌میره که من علیا حضرت بشم. می‌گه می‌ترسم مثل ملکه انگلیس اون قدر عمر کنه که ما دوتا بمیریم. انگار عمر مامی دست منه. البته به چیزایی هم بعضیا می‌گن که خب زشته و اصلا نباید بهش فکر کرد. اگه به هر دلیلی مامی دور از جونش فوت کنه، کی دیگه پول توجیبی بهم بده؟ بهو این قدر میراث خور سبز می‌شن که دیگه چیزی به من نمی‌رسه.

سه‌شنبه

امروز روز دیدار مردمی بود. مردم دسته دسته می‌اومدن سالن تا باهام حرف بزنن و عکس بگیرن و من براشون سخنرانی کنم. البته توی دسته‌های دوتایی می‌اومدن. کلا سه تا دسته اومدن که یکی ش خارجی بود و فکر می‌کردن اینجامک دونالد مجانی می‌دن. به عکاس گفتم طوری عکس بگیره که انگار هزاران نفر اومدن. گفت نه تنها دوربین، که فتوشاپ و حتی هوش مصنوعی هم نمی‌تونه این چار نفر رو تبدیل به هزار نفر کنه. ولی باز هم خوب بود همون چار نفر. دوتا شون که از دوستای ددی بودن و به مادر خیلی سلام رسوندن.

چهارشنبه

مردم پیام می‌دن که تو باید فرمانده ما باشی. نمی‌فهمن که من از اینجا و دست تنها نمی‌تونم معجزه کنم. فوق فوقش بتونم با آهنگی که برام پخش می‌کنن، به قری بدم؛ تازه همون هم اگه وسطش کمرم نگیره. یادش به خیر به

صفحه ۴
۲۴ آبان ۱۴۰۴
شماره ۱۵۵

خودآگاهی داشته باشید

اگر احساس کردید بهتر شده‌اید، یعنی درمان کامل شده است؛ مهم نیست نیم ساعت است دارو خورده‌اید یا دو هفته. اگر بدتر شدید، یعنی دارو هنوز فرصت هنرنمایی نداشته است یا اصلا پزشک به حال شما آگاه نیست. در هر دو حالت، حق با شماست. چون صلح بدن خویش مردمان دانند.

پرس و جو کنید

اگر خاله‌تان سال ۱۳۸۴ با یک قرص ناآشنا تبش پایین آمد، حتما بدن شما هم خاطره او را به یاد دارد. به هر حال زن‌ها که ثابت هستند! از قدیم گفته‌اند فک و فامیل گوشت هم را بخورند، دی‌ان‌ای هم را بیرون نمی‌اندازند.

به‌روز باشید

تحصیل سنتی خیلی خوب است، اما فناوری چیز دیگری است! پزشک ممکن است سال‌ها درس خوانده باشد، اما آیا او هم مثل شما به آخرین مقالات روز در گوگل دسترسی دارد؟

دردم از یار است و درمان نیز هم!



فرهنگ شهروندی

فرزانه زینلی

تفریحات پول دارها، تفریحات ماها



خبری در شهر آرا منتشر شد درباره دستگیر شدن چند مرد هنگام دزدی که پس از بازجویی مشخص شده است این افراد پول دار بوده اند و برای تفریح دست به سرقت می زده اند. ما که هیچ وقت پول دار نبوده ایم، ولی می توان تصور کرد که تفریحات بعضی از این پول دارها، از سر بیکاری، چه کارهایی است.

اسفنج دوردور

خب یکی که معلوم شد همین سرقت است. یکی دیگر از تفریحات معروف پول دارها، دوردور است. یعنی سوار ماشین های چندین میلیاردی شان می شوند و بدون هیچ هدف خاصی در خیابان ها دور می زنند. (حالا می گوئیم بدون هدف، ولی هدف های متنوعی کنار این دوردورها وجود دارد که واردش نمی شویم!) یعنی نه پول بنزین برایشان مهم است، نه استهلاک ماشین، نه ماندن در ترافیک (اصلا خودشان مایه ترافیک هستند) و نه تصادف خودرو. حالا اگر ما بخواهیم دوردور کنیم، آپ تاکسی را هم فعال می کنیم تا وقتی که در ترافیک هستیم، دست کم دوتا مسافر هم بنزیم و پول بنزین و ولت ترمز را در بیاوریم. فکر می کنید چرا ما آن اسفنج های دور ماشین را نمی کنیم؟ برای همین ضربه گرفتن ها در دوردور کردن های توی ترافیک است که کسی بهمان نمالد!

بر لب جوی نشین

تفریح دیگر این پول دارها مسافرت است؛ همان کاری که ما اگر خیلی زور بنزیم و اداره دو شب مسافرخانه تهاتری در اختیارمان بگذارد و ماشین فیلم درنیارود یا بلیت قطار و اتوبوس گیر بیاوریم، می توانیم سالی یک بار این تفریح را انجام دهیم. اگر هم ویلا و مسافرخانه ارزان گیرمان نیاید، خدا برکت بدهد به چادر مسافرتی و گاز پیک نیک و لب جوی آب کنار پیاده رو!

پارتی بازی

و تفریح مهم دیگر این قشر میلیاردر، آن طور که شنیده ایم، پارتی دادن است. همین واژه پارتی را ما فقط وقتی کارمان در یک اداره گیر می افتد، به گوشمان می خورد، ولی پول دارها هر شب با آن درگیر هستند. پارتی میلیاردرها پر از خوردنی و نوشیدنی و شنیدنی و تکان دادن و دودکردنی و... است. پارتی ما خیلی زور بزند، شماره رئیس اداره را داشته باشد که می شود همان پدر پول دارهای پارتی باز، باین قیمت میوه و شیرینی و برنج و مرغ و گوشت، اصلا یادمان نمی آید آخرین باری که مهمان داشتیم یا مهمانی رفتیم کی بود. ما باید در به در دنبال یک پارتی باشیم که کارمان زودتر انجام شود. اما پول دارها هر شب پارتی دارند و حتی خودشان پارتی امثال ما می شوند.

استرس صفر

یکی دیگر از تفریحاتشان خرید کردن است؛ همان کاری که چند سال است ما فقط برای خرید مایحتاج واجب زندگی انجام می دهیم. پول دارها به خرید می روند تا حال دلشان خوش بشود، ولی ما وقتی کارت می کشیم، استرسی می شویم و اعصابمان خرد می شود و دچار اضطراب می شویم که آیا این قدر پول در کارت داریم یا نه. ولی پول دارها با کارت کشیدن و شنیدن صدای پیامک حسابشان، یک جان به جان هایشان اضافه می شود و پوستشان دو درجه صاف تر می شود و اصلا تمدد اعصاب می کنند. بعید نیست پول دارها حتی پیامک حسابشان هم فعال نباشد. چون آن قدر پول دارند که خیالشان راحت است تمام نمی شود. البته ما هم هنگام کارت کشیدن نگران اضافه زدن صفر مبلغ نیستیم. چون می دانیم آن مقدار پول در حسابمان نیست اصلا!



با دیگران همدلی کنید

از قدیم گفته اند معرفی داروی خوب، زکات سلامتی است. پس خسیس نباشید. هر چیزی حال شما را خوب کرد، به درد همسایه های خوارتان هم می خورد.

خوش بین باشید

دلتن را بد نکند. قرص، قرص است دیگر. آن بروشورهای داخل جعبه را پرزید دور آن ها نوشته های مایوس کننده ای هستند برای سست کردن اراده بیماران شجاع. اعتماد به قرص، نشانه قدرت بالای اراده شماست.

آگاه باشید

از آنجا که آنتی بیوتیک بر هر درد بی درمان دواست، در خوردنش اصلا مضایقه نکنید. در جهان مدرن، قرص آنتی بیوتیک حکم اسپری همه کاره را دارد. هر دردی ریشه در عفونت دارد؛ از سرماخوردگی ویروسی گرفته تا زانودرد مزمن!

مجددا به روز باشید

علم شیمی می گوید دارو «تجزیه» می شود، اما تجزیه استامینوفن را کی دیده و کی شنیده؟! تاریخ مصرف برای ماست و شیر است. دارو که منقضی نمی شود.

سختگوی دولت: اینکه فسار که بالاتر از هملف هستند، کم می شود اعتقادی به اینترنت طبقاتی نداریم

وزیر ورزش:

به کار بیشتر
برای درآوردن
و با کیفیت تر در
تله های میوه ته قوطی
افایق رانی نیاز داریم

التماس زلینسکی به غرب:

لااقل

پاتریوت ها اینها
و مرد عنلوتی
را قرض دهید

وزیر نیرو:

برق کسانی که آب زیاد و همچنین سرکسانی که
هم آب، هم برق زیاد مصرف کنند، قطع می شود
مدیرعامل شرکت بازرگانی: توزیع می نیم، هلی
برنج ۵۰ هزار تومانی هفته آینده

عرضه می شود

ش رودارنده بفهمه آدرسش لجابت، بره بخره

وزیر نیرو:

و بدون ضامن
تخاراه بارورسازی ابرها فقط ۱۵ درصد اموشر است
وعده وام فرزند آوری به ابرها با سود

ناسا تا ۲۰۳۵ میلادی،

برای هرنه

۱۵ ساله قمری

یک سفینه

می سازد

مدیرکل اداره دامپزشکی

خراسان رضوی:

هیچ شیب برفکی

از وقتی آتش اداره راه

ی فرستنده

با سوپه جدید

تنظیم داریم

مشاهده نشده است

پیرکه آرش آریایی

در حاشیه آنچه این روزها در فوتبال کشور اتفاق می افتد

بابا بسه دیگه. هر
بازی کلی فحاشی
و مصدوم جنگی
داریم. چی کار
کنیم ابرومون
بیشتر از این نره؟

به تیما آینه
بدیم تا هر
تیمی فحش
داد. براش
آینه بگیرن به
خودش برگرده.
«آینه، آینه»

فرهنگ
و شیوه
اعتراض رو
تغییر بدیم.

صدای
تلویزیون رو
قطع کنیم
هوادار را راحت
فحش بدن.

حله آقا.

پرسپولیس. تو خودت بنیان گذار
این حرکت بزرگ باش.

از امروز می خواهیم شیوه
اعتراض رو عوض کنیم.

از این به بعد موقع
فحاشی صدای بووووووق
تو ورزشگاه بخش
می کنیم. شما بتونین
خوب از خجالت شون
در بیاین!

آینه!

آخ جون.
هیجان
بیشتر
شد!

ایول.
هم از ما
حمایت
می کنه!

ما فقط
برای
فحاشی
می آیم
ورزشگاه
نیست

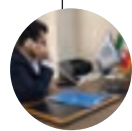
اگه فحش
ندیم که
فوتبال
جذاب
نیست

صفحه ۶
۲۴ آبان ۱۴۰۴
شماره ۱۵۵

ناسوس

فرشته شایان

می پرسین «والد تعداد (!) باشی،
لزوما نمی خواد خوب کار کنی؟
تخلف مخلف پیر؟!» از نظر فنی،
والد این تعداد بچه بودن، این قدر
مشغله روانی و فیزیکی ایجاد
می کنه که دیگه بخوای هم وقت
واسه اختلاس و ارتشا (رشوه گرفتن)
و جعل اسنادو... نداری که بندازنت
بیرون. شما نگاه کن دهه ۶۰ ما
چای دیش و کوروش کمپانی و
مفقودی دکل نفتی مون کجا بود
واقعا؟



کارشناس
حقوقی

دوره بارداری فیل ۲۲ ماهه.
اون وقت به ما می گن اشرف
مخلوقات! اون هم با ۹ ماه! کاش
دانشمندا یه راهی اختراع کنن
این بچه همون تو فریزی چیزی
بشه، هم شغل خانوما گارانتی
می شد. هم پکیج سه گانه جیش،
غذا و بازی همون تو با خودش بود،
مصیبت نمی شد سر مامانا. از همه
مهم تر، خرجش صفر بود. چیه با
این قیمت پوشک، یک قلم جیش
فقط می افته بیست تومن!



میریم
امیرجلالی

سازمان اداری و استخدامی ابلاغ کرد:
ممنوعیت اخراج کارمندان دارای حداقل سه
فرزند. بانوان باردار و دارای فرزند شیرخوار، (مهر)

جدی مامان گلی ها اگه شیربظری نهصد گرمی
رو امروز نمی دیدم هشتاد تومن شده. با همین
فرمون شیر می دادیم، این بچه «شیرخوار»
می موند تا بازنشستگی امنیت شغلی مون
تضمین بود. با این اوضاع، روزی هشت لیوان
آب هم نمی تونیم بدیم بخورن، چه برسه به
شیر!



ساجده مهلا
مامان امیرداوین



جهت اطلاع



سرویس - کا (با فعلا سه کا فالوئر) صفحه اجتماعی سرویس کاری است که خراب کاری بقیه را روایت می کند: امروز از تلویزیون با من تماس گرفتند. اول فکر کردم در قرعه کشی برنامه نود برنده شده ام، ولی بعد متوجه شدم سال هاست که برنامه نود پخش نمی شود! گفتند: «یک خراب کاری در تلویزیون صورت گرفته است.» گفتم: «اگر آتش گرفته که درست کردنش کار من نیست. خودتون هم دست نزنین که در آستانه فصل بودجه، بودجه مناسبی برای بهسازی و نوسازی می تونین جذب کنین! خب تلویزیون که کم الکی نیست، با روان مردم سروکار داره. جسم مردم که نیست آب کم بخوره، هوای آلوده تنفس کنه. آخ نگه!» گفتند: «نه، این صحبتا نیست. مشکل ما ملوانه.» با نگرانی گفتم: «یعنی ملوانای نیروی دریایی دشمن ریختن تلویزیون و تلویزیون رو آب فراگرفته؟!» گفتند: «نه، تو که ما رو سرویس کردی! بازیکن ملوان یه کلیپ عروسی خارج از عرف ساخته، ما می خواستیم با «مهربانی» پاسخ بدیم. ولی توهین آمیز از کار دراومد و خراب کاری شد. بعد هم «صبح جمعه» با شما و بقیه فهمیدیم بدون اطلاع خود بازیکن ملوان این کلیپ رو منتشر کردن.» گفتم: «جهت اطلاع شما که همیشه دیرتر از مردم باخبر می شین، اگه سیم میمای تلویزیون یا گرمایش شبکه ها یا کانالای کولر یا خطوط تلفن ارتباطات مردمی خراب شده یا اتاق فرمان از کار افتاده یا استودیوهای تولید برنامه رو آب برداشته یا مسیر تأسیسات بولوار جام جم به جهت چپ

صفحه ۷
۲۴ آبان ۱۴۰۴
شماره ۱۵۵

وزیر نیرو:

اگر کسی آب زیاد مصرف کند، برقش را قطع می کنیم.

(ایسنا)



یک چشم پزشک:

اگر چشمستان درد گرفت، این قطره بینی را داخل گوشتان بچکاتید.

سردبیر شهر آرا:

اگر پلخمون همچنان به مسئولان گیر بدهد، انتشار ضمیمه مترو را قطع خواهیم کرد.

وزیر دفاع پاکستان:

اگر رفتارهای تحریک آمیز هندوستان ادامه یابد، دوباره به افغانستان حمله می کنیم.

خودروساز:

اگر کسی خودرو سانروف دار ثبت نام کند، به او خودرو غیر سانروف دار می دهیم.

رئیس بانک مرکزی:

اگر دوباره کسی اختلاس کند، به جوانان وام ازدواج پرداخت نمی کنیم.

کابوس نامه

شبی در کشور دوری
میان یک سمیناری
نشسته گرد هم بودند
بی عارن بیکاری!

به نوبت هرکسی می گفت
از کابوس های خود
از آن خواب پریشانی
که دیده در شب تاری

یکی می گفت: من دیدم
پریش خواب بدیمنی
که دنبال سرم آمد
شتابان یک سگ هاری

یکی می گفت: سگ اصلا
ندارد ترس، من دیدم
که نیشم زد به یک باره
درون چاله ای، ماری

یکی می گفت: من دیدم
که قحطی آمده هرجا
و چندین گاو را خورده
به یک جا، گاو پرواری

یکی می گفت: من دیدم
که رفته برق، تابستان
شدم از شدت گرما
شبیه مرغ سوخاری

یکی می گفت: من دیدم
از آن بدتر و آن اینکه
شده کشور به یک باره
دچار فقر و بیکاری

یکی می گفت: بیکاری
ندارد وحشتی هرگز
نگشتی در پی دارو
به خوابت حین بیماری

پریدم بینشان گفتم:
چه کابوسی؟ چه رویایی؟
تمام خوابتان باشد
شبیه کشک بازاری!

عجب مردان نامردی!
همه تیتیش و مامانی
یکایک نازپرورده
یکایک لوس و اطواری!

تمام آنچه را گفتم
من هر روز می بینم
نه در خواب خودم بلکه
دقیقا وقت بیداری

بیا یک دم دیار ما
که با چشم خودت ببینی
از این کابوس ها، بی حد
به هر جا پای بگذاری

الهی!
در این بحران کم آبی، از خروجی آب سدهای کشور
ما بگاہ و بر ذخایرشان بیفزای.

پنجهولا

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر: ضلیم: ارزنگ حاتم
دبیر: پنجهولا: مجتبی نخعی راد
صفحه آرایی: ملک جمعی

پیماک: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

و اینک خشک سالی!

همین طور که انتظار داشتیم و خلافت غیرمترقبه محسوب می شد، پس از
ناترازی های گازی و برقی، اینک آب هم با شدت زیاد و بدون اطلاع قبلی به
مسئولان و به خصوص سازمان هواشناسی، ناتراز شده است و افتاده ایم
وسط خشک سالی. در همین راستا:

بهره برداری از همه ظرفیت های موجود:

